

معرفی و نقد کتاب

ملت‌ها و ملی‌گرایی*

معرفی کتاب

کتاب ملت‌ها و ملی‌گرایی مجموعه مقالاتی است که «جرارد دلانتی»^۱ و «کریشن کومار»^۲ گردآوری نموده‌اند و در سال ۲۰۰۶ م انتشارات سیچ آن را منتشر کرده است. این کتاب در ۵۹۲ صفحه و هر صفحه به شکل دو ستون تنظیم شده و شامل معرفی نویسندگان، مقدمه ویراستاران یعنی جرارد دلانتی و کریشن کومار، مقالات (۴۵ مقاله) و سرانجام فهرست اعلام می‌باشد.

* Delanty, Gerard & Krishan Kumar (2006); *The sage handbook of nations and nationalism*, London: Sage publications Ltd.

۱- جرارد دلانتی، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه لیورپول انگلستان و سردبیر فصلنامه اروپایی «نظریه اجتماعی» است و آثارش به شرح ذیل می‌باشد: بررسی اروپا (مک میلان، ۱۹۹۵)، علم اجتماعی (سیچ، ۱۹۹۷)، نظریه اجتماعی در دنیای در حال تغییر (پولیتی پرس، ۱۹۹۸)، مدرنیته و پست‌مدرنیته (سیچ، ۲۰۰۰)، شهروندی در عصر جهانی (انتشارات دانشگاه آزاد، ۲۰۰۰)، منازعه معرفتی: جایگاه دانشگاه در معرفت اجتماعی (انتشارات دانشگاه آزاد، ۲۰۰۱)، ملی‌گرایی و نظریه اجتماعی (سیچ، ۲۰۰۲)، جامعه (روتلیج، ۲۰۰۳)، وی همچنین سردبیر آدرنو: استادان نوگرا (سیچ، ۲۰۰۴)، فلسفه علم اجتماعی (انتشارات دانشگاه آزاد، ۲۰۰۳)، تفکر دوباره درباره اروپا: نظریه اجتماعی و تضمینات اروپا سازی (روتلیج، ۲۰۰۵) و مجموعه نظریه اجتماعی اروپای معاصر (روتلیج، ۲۰۰۵) است.

۲- کریشن کومار، استاد جامعه‌شناسی دانشگاه ویرجینیا در ایالات متحده امریکاست و این آثار را تألیف نموده است، نبوت و پیشرفت (پنگوئن، ۱۹۷۸)، پوتوپیا و ضد - پوتوپیا در دوران مدرن (بلک ول، ۱۹۸۷)، طلوع جامعه مدرن (بلک ول، ۱۹۸۸)، آرمان‌گرایی (انتشارات دانشگاه مینسوتا، ۱۹۹۱)، از جامعه پسا - صنعتی تا جامعه پسا - مدرن (بلک ول، ۲۰۰۵)، ایده‌ها و ایده‌آل‌های انقلابی (انتشارات دانشگاه مینسوتا، ۲۰۰۱)، شکل‌گیری هویت ملی انگلیس (کمبریج، ۲۰۰۳).

ساختار شکلی و محتوایی کتاب

از نظر ساختار شکلی، مجموعه مقالات این کتاب در سه بخش تنظیم شده است؛ بخش نخست با عنوان رهیافت‌ها، بخش دوم به نام موضوعات، و بخش سوم تحت عنوان ملت‌ها و ملی‌گرایی در عصر جهانی.

بخش اول (رهیافت‌ها) شامل یازده مقاله است و در آن، رهیافت‌ها و نظریه‌های گوناگون درباره ملت و ملی‌گرایی به دست داده شده است. محور اصلی این بخش، مباحث نظری درباره پدیده ملت و ملی‌گرایی می‌باشد. نویسندگان این بخش می‌کوشند با بهره گرفتن از رهیافت‌های گوناگون، دگرگونی تاریخی و مفهومی ملت^۱ و ملی‌گرایی^۲ را نشان دهند، مفهوم‌های محل مناقشه دو واژه را شرح دهند و ویژگی‌های متغیر آنها را مشخص نمایند.

نخستین مقاله این بخش با عنوان «ملی‌گرایی و مورخان» اثر «کریشن کومار» است و نگارنده آن از دیدگاه تاریخی به پدیده ملت و ملی‌گرایی می‌نگرد. کومار در باب نسبت تاریخ و ملی‌گرایی معتقد است تاریخ بدون ملت‌ها همچنان زنده خواهد ماند؛ اما ملت‌ها بدون تاریخ هرگز با کسی نمی‌مانند؛ در نتیجه ملی‌گرایی بر میراث تاریخی بنا شده و این میراث تاریخی همچنان به منزله واقعیت اصلی دنیای معاصر و آینده زندگی‌اش را ادامه می‌دهد.

دومین مقاله این بخش با عنوان «مدرنیزاسیون و ارتباط: عامل ملت‌سازی» اثر «میراسلاو هروک»^۳ است و نویسنده آن از دیدگاه دگرگونی‌های اجتماعی یعنی نوسازی، به پدیده ملت می‌نگرد. هروک در این مقاله تأثیر نوسازی و ارتباطات در شکل‌گیری پدیده ملت در اروپا را بررسی می‌کند.

سومین مقاله این بخش، «رهیافت‌های ساختاری به ملت و ملی‌گرایی» اثر «جان ای هال»^۴ است و در آن از رهیافت ساختاری برای مطالعه پدیده ملت و ملی‌گرایی به مثابه واقعیت اجتماعی استفاده شده است. هال در این مقاله نشان می‌دهد که پدیده ملت و ملی‌گرایی در نتیجه روابط قدرت در لایه‌های زیرین سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه اروپا شکل می‌گیرد.

در چهارمین مقاله این بخش با نام «ملت‌ها و ملت‌سازی: مقایسه نظریه عمومی و تاریخ تطبیقی» اثر «جان پی آرناسن»^۵ از نگاه تطبیقی به پدیده ملت و ملی‌گرایی

1- Nation

2- Nationalism

3- Miroslaw Horch

4- Johan A. Hall

5- Johann P. Arnason

پرداخته می‌شود. آرناسن در این مقاله بر دو نکته اصلی تأکید می‌کند؛ نخست آنکه هر تعریفی از ملت و ملی‌گرایی به چهارچوب فرهنگی خاص خود مقید است؛ از این رو، تنها تعریف مقایسه‌ای (تطبیقی) ملت و ملی‌گرایی قابل اعتماد می‌باشد؛ دوم آنکه رهیافت تطبیقی به ما کمک می‌کند تا مفهوم پیشانو و نو^۱ ملی‌گرایی را با هم مقایسه نماییم. پنجمین مقاله این بخش تحت عنوان «رهیافت‌های فرهنگی به ملی‌گرایی» اثر «دانیل ای سگال»^۲ و «ریچارد هندلر»^۳ است و در آن از منظر فرهنگی به پدیده ملی‌گرایی پرداخته می‌شود. نویسندگان این مقاله معتقدند پدیده ملت و ملی‌گرایی را باید در بستر فرهنگی و اجتماعی‌اش مطالعه نمود؛ به بیان دیگر، از نظر آنان بهترین روش فهم ملت و ملی‌گرایی، آن است که به جای تکیه بر کنش‌های بازیگران، سراغ بستر فرهنگی و اجتماعی کنشگران برویم.

در ششمین مقاله این بخش تحت عنوان «روانشناسی اجتماعی ملی‌گرایی: مردن برای غریبه‌ها» اثر «لرن لگمن»^۴ از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی به پدیده ملی‌گرایی پرداخته می‌شود. لگمن در این مقاله، در پی پاسخ این پرسش است که چرا و چگونه مردم عادی در جریان جنگ‌ها و انقلاب‌ها حاضر می‌شوند برای دیگران از جان خود بگذرند. وی در پاسخ می‌گوید؛ درونی شدن ارزش‌های ملی در نتیجه جامعه‌پذیری، سبب می‌شود مردم عادی برای دیگران حتی از جان خود بگذرند.

هفتمین مقاله این بخش، عنوان «ملی‌گرایی و حاکمیت مستقیم» اثر «مایکل هچتر»^۵، «تونا کویوکو»^۶ و «آردی ساکس»^۷ است و در آن از منظر توسعه سیاسی به پدیده ملی‌گرایی پرداخته می‌شود. نویسندگان این مقاله، نخست تأثیر اعمال حاکمیت مستقیم بر سطح و شکل همبستگی گروه‌های فرهنگی را بررسی می‌کنند و سپس نشان می‌دهند که اعمال حاکمیت مستقیم، روند دولت‌سازی و ملت‌سازی را تسریع می‌نماید.

در هشتمین مقاله این بخش با نام «ملی‌گرایی و فلسفه سیاسی» اثر «مارگارت مور»^۸ از دیدگاه فلسفی به پدیده ملت و ملی‌گرایی پرداخته می‌شود. مور معتقد است فلسفه سیاسی نو تنها راه‌حل مسأله ملی را سیاست‌نوسازی، دولت — ملت‌سازی و همگون‌سازی اجباری می‌داند. وی از منظر پسانوگرا، موضع فلسفه سیاسی نو را درباره مسأله ملت و ملی‌گرایی، نقد و بررسی می‌نماید. وی معتقد است فلسفه سیاسی نو از این موضوع غافل است که ملت‌ها پدیده‌هایی برساخته‌اند و نه جوهری.

1- Modern
2- Daniel A Segal
3- Richard Handler

4- Lauran Langman
5- Michal Hechter
6- Tuna Kuyucu

7- Audrey Sacks
8- Margaret Moore

نهمین مقاله این بخش تحت عنوان «تحلیل گفتمان و رهیافت‌های جامعه‌شناسی زبان به ملت و ملی‌گرایی» اثر «روث ووداک»^۱ است و در آن از منظر جامعه‌شناسی زبان به پدیده ملت و ملی‌گرایی توجه می‌شود. در این مقاله، ووداک می‌کوشد با به دست دادن مثال‌های ادبی، نشان دهد که هویت ملی به صورت گفتمانی ساخته می‌شود؛ به بیان دیگر، این نویسنده ساختار خطابی و سیاسی سخن را واکاوی می‌کند تا نشان دهد که چگونه هویت ملی در درون زبان بر ساخته می‌گردد.

در دهمین مقاله این بخش تحت عنوان «رهیافت‌های جنسی به ملت‌ها و ملی‌گرایی» اثر «سیلویا ولبی»^۲ پدیده ملت و ملی‌گرایی بر پایه دیدگاه‌های فمینیستی بررسی شده است. ولبی در این مقاله رابطه ملت و ملی‌گرایی با جنسیت را بررسی می‌کند. وی نشان می‌دهد «مفهوم ملت، زنان را طرد می‌کند و متقابلاً طرد زنان، ملت را به مفهومی مردسالار بدل می‌سازد».

آخرین مقاله این بخش به نام «روش‌شناسی ملی‌گرایی و منتقدین آن» اثر «دانیل چرنیلو»^۳ است و در آن از منظر روشی به پدیده ملی‌گرایی پرداخته می‌شود. چرنیلو روش‌شناسی متداول ملی‌گرایی را رد می‌کند.^۴ وی معتقد است بسیاری از مفهومی‌های نو همچون ملی‌گرایی، با اسطوره در هم آمیخته است. از نظر وی، دولت - ملت بزرگترین اسطوره نو است؛ از این رو، باید در سه محور تاریخی، جامعه‌شناختی و روایی از دولت - ملت ابهام‌زدایی نمود تا با واقعیت‌های دنیای پیشرفته سازگار گردد.

در مجموع، مقاله‌های این بخش از منظر سنت‌های فکری و رهیافت‌های علمی گوناگون، مفهوم، تاریخ و تحول ملت‌ها و ملی‌گرایی را بررسی می‌کنند. از لحاظ سنت‌های فکری، مقاله‌های این بخش را می‌توان به سه دسته کلاسیک (همانند مقاله رهیافت‌های ساختاری به ملت و ملی‌گرایی)، و نوگرا (همانند مقاله مدرنیزاسیون و ارتباط: عامل ملت‌سازی) و پسانوگرا (همانند مقاله ملی‌گرایی و فلسفه سیاسی) تقسیم نمود. از لحاظ رهیافت‌های استفاده شده نیز مقاله‌های این بخش را می‌توان به اقسام توصیفی (همانند مقاله ملی‌گرایی و مورخان)، تحلیلی (همچون مقاله تحلیل گفتمان و رهیافت‌های جامعه‌شناسی زبان به ملت و ملی‌گرایی)، تطبیقی (همانند مقاله ملت‌ها و ملت‌سازی: مقایسه نظریه عمومی و تاریخ تطبیقی)، انتقادی (همانند مقاله رهیافت‌های

1- Ruth Wodak

2- Sylvia Walby

3- Daniel Chernilo

۴- روش‌شناسی متداول ملی‌گرایی بر این فرض بنا شده که دولت - ملت شکل طبیعی و ضروری جامعه پیشرفته است.

جنسی به ملت‌ها و ملی‌گرایی) و روشی (همانند مقاله ملی‌گرایی روش‌شناختی و منتقدین آن) تقسیم نمود.

بخش دوم این کتاب موضوعات نام دارند و شامل بیست مقاله است. این مقاله‌ها بسیار متنوعند و در آنها نسبت ملت و ملی‌گرایی با پدیده‌های گوناگونی همچون قوم، نژاد، مذهب، حافظه، ورزش، بیگانه‌هراسی، رادیکالیسم^۱، مهاجرت، جنگ، نسل‌کشی، طرد، جهان‌بینی‌ها، جهانی‌شدن^۲ و امپریالیسم^۳ بررسی می‌گردد؛ آنها پدیده‌های ملت و ملی‌گرایی را در بستر تاریخی، اجتماعی و سیاسی‌اش مطالعه می‌کنند.

نخستین مقاله این بخش به نام «ملی‌گرایی پیشامدرن: یک عبارت متناقض؟ مثال انگلستان» اثر «فلیپ اس گورسکی»^۴ است و در آن، ریشه‌های پیشانو ملی‌گرایی در انگلستان جستجو می‌گردد. نگارنده مقاله معتقد است برخلاف اندیشه غالب مبنی بر نو بودن پدیده ملی‌گرایی، سنت‌های پیشانوگرا، آبشخور اصلی ملی‌گرایی معاصرند. دومین مقاله این بخش تحت عنوان «مدرنیته و ملی‌گرایی» اثر «لایا گرینفلد»^۵ است. نویسنده این مقاله برخلاف گورسکی، معتقد است ملت صورت‌بندی تاریخی سازمان اجتماعی در دوران نو می‌باشد؛ از این رو ملی‌گرایی نه تنها حاصل نوگرایی بلکه ویژگی آن نیز هست.

سومین مقاله این بخش با عنوان «قومیت و ملی‌گرایی» اثر «آنتونی دی اسمیت»^۶ است. نویسنده این مقاله، نسبت قومیت و ملی‌گرایی را براساس رهیافت توصیفی – تحلیلی بررسی می‌کند و بر این باور است نوگرایان برای قومیت در فرایند شکل‌گیری ملت و ملی‌گرایی نقش اندکی قائلند و در عوض، جایگاه مهمی را به سرمایه‌داری، صنعتی شدن، دنیاگرایی^۷ و عقل‌گرایی اختصاص می‌دهند. در مقابل آنان سنت‌گرایان معتقدند ملیت بر مبنای پیوندهای عمیق قومی شکل گرفته است. نگارنده این مقاله می‌کوشد این دو دیدگاه را با هم ترکیب کند و بدین منظور نشان می‌دهد که قومیت و ملی‌گرایی از دیدگاه مفهومی و تاریخی دارای پیوندها و گسست‌هایی آشکارند.

چهارمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملی‌گرایی و مذهب» اثر «مارک یورگنسمیر»^۸ است. نویسنده در این مقاله تلاش می‌کند رابطه مبهم ملی‌گرایی و مذهب را آشکار نماید و بر این باور است که ملی‌گرایی دنیاگرا همواره مذهب را رد می‌کند. هر چند

1- Radicalism
2- Globalization
3- Imperialism

4- Philip S. Gorski
5- Liah Greenfeld
6- Antony D. Smith

7- Secularism
8- Mark Jurgensmeyer

دولت - ملت برای حفظ قدرت خود گاه بر اندیشه‌های مذهبی تکیه کرده، در عصر جهانی شدن و پسانوگرایی، باورها و هویت مذهبی به بنیانی برای انواع جدید ملی‌گرایی و فراملی‌گرایی بدل گشته است.

پنجمین مقاله این بخش با نام «ملت و نژاد» اثر «استیو فنتن»^۱ است. فنتن معتقد است تاریخ مفهومی ملت و نژاد نشان می‌دهد که آنها اندیشه‌های کاملاً متناقضی را دربردارند. فنتن در این مقاله نشان می‌دهد که در تاریخ دو قرن اخیر سه صورت‌بندی متفاوت از رابطه میان ملت و نژاد برقرار گشته است: نژاد به مثابه ملت (هم‌طرازی مفهومی، تاریخی و باورشناختی ملت و نژاد)، نژادها درون ملت‌ها (برتری صورت‌بندی اجتماعی ملت‌ها بر نژادها)، و نژاد به مثابه تمدن‌سازی (نژاد زاینده تمدن‌های ملی و فراملی).

ششمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملت و یادبودها» اثر «چارلز ترنر»^۲ است. ترنر در این مقاله مطالعه‌های انجام شده درباره رابطه ملت‌ها و یادبودها را از منظر روشی نقد می‌کند. وی معتقد است محققان معمولاً نمی‌توانند میان وقایع تاریخی و فلسفه تاریخ پیوند برقرار کنند تا بدین وسیله اهمیت یادبودها برای جامعه‌های معاصر را نشان دهند. نویسنده مقاله همچنین بر این باور است که محققان هنگام مطالعه نسبت ملت و یادبودها بیشتر بر اسناد آشکار و مکتوب تکیه می‌کنند تا شخصیت ملی؛ اما وی خود در این مطالعه، روش تفسیر^۳ انتقادی را پیشنهاد می‌کند.

در هفتمین مقاله این بخش به نام «حافظه، حقیقت و خشونت در جوامع پس از آسیب‌دیدگی» اثر «جان دی بروور»^۴ از دیدگاه روانشناسی اجتماعی به مشکلات جامعه‌هایی می‌پردازد که بیش از این قربانی خشونت نژادپرستی شده‌اند. از نظر بروور حافظه نقشی راهبردی در فرایند صلح دارد و خاطره منازعه‌ها یکی از مانع‌های اصلی داوری‌های بدون خشونت می‌باشد. از این رو، هدف سیاست‌های عمومی جامعه‌ها بعد از خشونت محلی باید ترمیم این خاطرات باشد.

هشتمین مقاله این بخش تحت عنوان «شهروندی، ملی‌گرایی و ملت‌سازی» اثر «برایان اس ترنر»^۵ است. نگارنده در این مقاله نشان می‌دهد که گسترش حقوق اجتماعی و سیاسی شهروندی، نقشی اساسی در پی‌ریزی نهادهای مردم‌سالار ایفا می‌نماید و از سوی دیگر مشارکت مردم‌سالارانه توده‌ها در جامعه مدنی و سیاسی،

1- Steve fenton

3- Hermeneutic

5- Bryan S Turner

2- Charles Turner

4- John D. Brewer

اساس ملت‌سازی می‌باشد؛ چون توده‌ها در فرایند مشارکت مردم‌سالارانه با استفاده از مفهوم دولت - ملت هویت خود را تعریف می‌کنند.

نهمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملت‌ها و قلمروها: درون یا بیرون از دولت؟» اثر «دیوید مک‌کرن»^۱ است. مک‌کرن در این مقاله نشان می‌دهد که ملت‌ها می‌توانند بدون وجود دولت به زندگی‌شان ادامه دهند و در ملت‌های تحت قلمرو یک دولت، شاهد انواع جدید ملی‌گرایی هستیم.

در دهمین مقاله این بخش با عنوان «ملی‌گرایی و ورزش» اثر «آنتونی کینگ»^۲ به تحلیل نقش تیم‌های ملی در تقویت هویت ملی پرداخته می‌شود. نویسنده بر این باور است که دگرگونی‌های اخیر در ورزش و به‌ویژه فوتبال، انواع جدیدی از همبستگی ملی ایجاد نموده است.

یازدهمین مقاله این بخش با نام «ملت‌ها، وقایع بزرگ و فرهنگ بین‌الملل» اثر «موریس راچی»^۳ است. نگارنده مقاله معتقد است که وقایع بزرگ از جمله المپیک‌ها و جنگ‌های جهانی می‌توانند منجر به اتحادهای استوار، تعامل فرهنگی، مشارکت ملی و بین‌المللی و احیای هویت ملی گردند.

دوازدهمین مقاله این بخش با عنوان «بیگانه‌هراسی و ملی‌گرایی جدید» اثر «مبیل برزین»^۴ است. برزین در این مقاله نخست بیگانه‌هراسی را به منزله یک مقوله اجتماعی و پدیده تاریخی در اروپا معرفی می‌کند؛ سپس رابطه میان بیگانه‌هراسی و مهاجرت در اروپای معاصر را مشخص می‌کند.

سیزدهمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملت‌ها، مهاجرت‌ها و هویت‌های فراملی: رهیافت تعاملی به ملی‌گرایی» اثر «آنا ترایاندافیلدا»^۵ است. نگارنده نشان می‌دهد هویت ملی در نتیجه تعامل با دیگران دگرگونی، استواری و یا استحکام یا استحاله می‌یابد؛ وی همچنین بدین موضوع می‌پردازد که چگونه نمادها، گفتمان‌های نژادی و فرهنگی، هویت ملی اکثریت را تحکیم می‌کند.

چهاردهمین مقاله این بخش با نام «ملی‌گرایی آتشین و معمولی: ملت‌سازی توده‌ای» اثر «جان هاتچینسن»^۶ است و در آن، فرایند شکل‌گیری ملت، پویا و در عین حال برگشت‌پذیر قلمداد شده است. نگارنده، دیدگاه اسطوره‌ای در باب شکل‌گیری ملت را رد می‌کند و در عوض نشان می‌دهد که عوامل پیش‌بینی‌ناپذیر چون جنگ، قحطی و

1- David McCorne

2- Antony King

3- Maurice Roche

4- Mabel Berezin

5- Anna Triandafyllidou

6- John Hutchinson

مهاجرت گسترده مردم در شکل‌گیری ملی‌گرایی نقش بنیادین دارد. هاتچینسن بر همین اساس، دو گونه ملی‌گرایی (ملی‌گرایی آتشین که در نتیجه بحران‌ها ایجاد می‌شود و ملی‌گرایی معمولی که حاصل تجربه‌های زندگی روزانه مردم است) را از هم متمایز می‌کند. پانزدهمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملی‌گرایی و قدرت ایدئولوژی» اثر «سینسا مالسویک»^۱ است. مالسویک معتقد است قدرت ملی‌گرایی ناشی از توانایی آن در انطباق و تغییر ماهیت در هنگام قرار گرفتن در موقعیت‌های مختلف و اغلب متناقض است. وی برای اثبات نظرش تحلیلی مقایسه‌ای از قدرت جهان‌بینی در ایران پس از انقلاب، یوگسلاوی پس از جنگ سرد و بریتانیای معاصر به دست می‌دهد.

شانزدهمین مقاله این بخش با نام «نسل‌کشی، تصفیۀ قومی و ملی‌گرایی» اثر «دانیل کانورسی»^۲ می‌باشد. کانورسی معتقد است که بیشتر جنبش‌های ملی‌گرا تمایلی به نسل‌کشی نشان نمی‌دهند، درحالی‌که بدترین شکل قتل‌عام در حکومت‌های تمامیت‌خواهی^۳ رخ می‌دهد که جهان‌بینی‌های غیرملی‌گرا بر آنها حاکم است.

در هفدهمین مقاله این بخش تحت عنوان «طرد قومی در ملت‌سازی دولت‌ها» اثر «اندرس وایمر»^۴ نشان داده که دولت‌ها برای ملت‌سازی از سیاست‌های طردکننده گوناگون از جمله جذب و تصفیۀ قومی بهره می‌برند. وایمر در مقابل اینها سیاست‌های چندقومی و چندمذهبی ملی و از جمله تبعیض قانونی را مطرح می‌کند.

هجدهمین مقاله این بخش با عنوان «ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی» اثر «مارک هاگارد»^۵ همپوشانی و تضاد جهان‌بینی‌های ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی^۶ را نشان می‌دهد. هاگارد معتقد است هر چند ملی‌گرایی و آزادی‌خواهی در بستر نوگرایی رشد نموده‌اند؛ اما تنها آزادی‌خواهی با منطق نوگرایی سازگار است. زیرا ملی‌گرایی فاقد دو ویژگی اصلی نوگرایی - یعنی فردگرایی و عقلانیت - است.

نوزدهمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملی‌گرایی و جهان‌وطن‌گرایی: پارادوکس مدرنیته» اثر «جرالد دلانتی»^۷ است. نگارنده معتقد است ملی‌گرایی و جهان‌وطن‌گرایی باورهای متناقض نیستند؛ بلکه مکمل یکدیگرند؛ بدان معنا که اگر جهان‌وطن‌گرایی را نه بر پایه ملت و دولت، بلکه براساس پذیرش تفاوت‌های درون خودی‌ها و ورای خودی‌ها تعریف کنیم، آنگاه ملت می‌تواند محملی برای جهان‌وطن‌گرایی باشد.

1- Simisa Malesevic
2- Daniele Conversi
3- Totalitarian

4- Andres Wimmer
5- Mark Haugaard
6- Liberalism

7- Gerard Delanty

بیستمین مقاله این بخش با عنوان «نظریه‌پردازی درباره شکل‌گیری ملت در بستر امپریالیسم و جهان‌گرایی» اثر «پل جیمز»^۱ است و در آن مقاله فرایند شکل‌گیری ملت در غرب یعنی جهان اول و شرق یعنی جهان سوم با یکدیگر مقایسه می‌گردد. نویسنده نتیجه می‌گیرد با وجود تفاوت‌های آشکار، فرایند شکل‌گیری ملت در غرب و شرق، دارای شباهت‌های بنیادین است. وی همچنین نشان می‌دهد که فرایند شکل‌گیری ملت در دوران نوگرایی (استعمارطلبی) و نوگرایی اخیر (جهان‌گرایی) هم دارای تداوم و هم دارای گسست است.

در مجموع نویسندگان در این بخش می‌کوشند از منظرهای متفاوت، جنبه‌های مثبت و منفی ملت و ملی‌گرایی را آشکار نمایند و نسبت ملت و ملی‌گرایی را با پدیده‌های رایج بررسی کنند.

در بخش سوم کتاب که «ملت و ملی‌گرایی در عصر جهانی» نام دارد، چهارده مقاله دیده می‌شود. مقاله‌های این بخش به طور خاص، پدیده ملت و ملی‌گرایی در منطقه‌های گوناگون جهان را بررسی می‌کنند.

نخستین مقاله این بخش تحت عنوان «فراملی‌گرایی - وحدت‌گرایی - ملی‌گرایی: طرحی برای اروپای قرن ۲۱» اثر «داگلاس آر. هولمز»^۲ است. نگارنده مقاله چهارچوبی تحلیلی به دست می‌دهد که براساس آن می‌توان فرایند تحول تاریخی و سیاسی اروپا از مرحله ملی‌گرایی به مرحله فراملی‌گرایی و سرانجام دستیابی به وحدت را تبیین نمود.

دومین مقاله این بخش با عنوان «ملت و ملی‌گرایی در اروپای مرکزی و شرقی» اثر «کریس هان»^۳ است. هان معتقد است که برخی نظریه‌پردازان از جمله ارنست گلنر براین باورند که در اروپای مرکزی و شرقی، قومیت - و نه شهروندی - معیار اصلی تعلق ملی می‌باشد. وی این دیدگاه را ساده‌انگارانه می‌داند؛ زیرا رهیافتی غیرتاریخی و غیراجتماعی به پدیده ملت و ملی‌گرایی در اروپای مرکزی و شرقی دارد.

در سومین مقاله این بخش با عنوان «ملت و ملی‌گرایی در روسیه» اثر «ریچارد ساکوا»^۴ از دیدگاه تاریخی، فرایند شکل‌گیری هویت روسی از امپراطوری تزاری تا دولت پساکمونستی بررسی می‌گردد. ساکوا نشان می‌دهد که همواره در تاریخ روسیه بر دولت - و نه ملت - تأکید شده است.

در چهارمین مقاله به نام «مدرنیته و ملی‌گرایی: مقایسه ترکیه و ایران» اثر «ای فوت

1- Paull James

2- Douglas R. Holmes

3- Chris Hann

4- Richard Sakwa

کیمن^۱ و «ساناز یالماز»^۲، تأثیر نوگرایی بر ملی‌گرایی در ترکیه و ایران با یکدیگر مقایسه شده است. نویسندگان معتقدند؛ در هر دو کشور فرایند ملت‌سازی بر جهان‌بینی ملی‌گرا مبتنی بوده است؛ با این تفاوت که در ترکیه قدرت ملی‌گرایی ناشی از پیوند آن با نوگرایی و در ایران ناشی از پیوند آن با مذهب بوده است.

پنجمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملت و ملی‌گرایی در جنوب آسیا» اثر «تی. کی اومن»^۳ است. نگارنده در این مقاله، ویژگی‌های ملت و ملی‌گرایی در شش کشور جنوب آسیا یعنی بنگلادش، بوتان، هند، نپال، پاکستان و سریلانکا را از لحاظ جغرافیایی، زبانی، مذهبی، گرایش‌های ضداستعماری، فرهنگی و مدنی با هم مقایسه می‌کند و سپس نتیجه می‌گیرد که هر ملت، نباید لزوماً زیر فرمان یک دولت باشد؛ ضمن اینکه می‌توان در این جوامع از تبعیض، سرکوب و استثمار مبتنی بر نژاد، زبان، مذهب، جنس و... اجتناب نمود.

ششمین مقاله این بخش با عنوان «ملت‌ها و ملی‌گرایی در آسیای میانه» اثر «آنا تولی ام. کازانف»^۴ است و در آن، وضع ملی‌گرایی در منطقه آسیای میانه قبل و بعد از استقلال بررسی می‌گردد. کازانف نشان می‌دهد این منطقه برنامه همسان‌سازی و فرهنگ‌پذیری‌ای برای گروه‌های قومی ندارد؛ بدین معنا که سیاست ملت‌سازی و همگون‌سازی در راستای مشارکت مدنی ملی نیست؛ بلکه تنها موقعیت برتر قوم مسلط را تثبیت می‌نماید.

هفتمین مقاله این بخش «مجادله ملی‌گرایان در آسیای جنوب شرقی» اثر «دیوید براون»^۵ است. براون در این مقاله ابعاد مدنی، قومی و فرهنگی فرایند ملی‌گرایی در آسیای جنوب شرقی یعنی ویتنام، برمه، فلپین، مالزی، سنگاپور، هند، مالی را بررسی می‌کند و سپس نتیجه می‌گیرد؛ مجادله میان دیدگاه‌های متفاوت ملی‌گرایانه مدنی، فرهنگی — قومی و چندفرهنگ‌گرا مانع اتخاذ سیاست ملی‌گرایی پایدار در این منطقه گشته است.

هشتمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملت و ملی‌گرایی در ژاپن معاصر» اثر «یوشیو سوگیموتو»^۶ است. نویسنده نشان می‌دهد که هویت ملی در ژاپن دوره نو با دوگانگی خودی و غربی مواجه است؛ پس از جنگ جهانی دوم، ملی‌گرایی قومی که دارای دو گرایش افراطی و فرهنگی است، در این کشور حاکم می‌گردد؛ و در نهایت در عصر جهانی شدن و چندفرهنگ‌گرایی، الگوی وحدت ملی در ژاپن، رایج می‌شود.

1- E. Fuat Key man
2- Suhnas Yilmaz

3- T. K. Oommen
4- Anatoly M. Khazanov

5- David Brown
6- Yoshio Sugimoto

نهمین مقاله این بخش با نام «چین و ملی‌گرایی چینی» اثر «پیتر هایزگریس»^۱ است. هایزگریس در این مقاله، سه پرسش اصلی طرح می‌کند: ملی‌گرایی جدید در چین را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟ آیا ملی‌گرایی چین برای غرب و همسایگان چین خطرآفرین است؟ و آیا ملی‌گرایی چین، محصول طبیعی توسعه این کشور است؟ وی معتقد است که برای پاسخ دادن بدین پرسش‌ها باید ملی‌گرایی چین را در بستر تاریخی آن قرار داد.

دهمین مقاله این بخش با عنوان «ملی‌گرایی عربی» اثر «ایلان پیپه»^۲ است. نویسنده در این مقاله، دو روایت رقیب درباره ملی‌گرایی عربی را بررسی می‌نماید. روایت نخست، ملی‌گرایی عربی را نتیجه بیداری قوم عرب و روایت دوم، آن را پدیده‌ای کاملاً نو می‌داند که حاصل رشد قدرت‌های اروپایی در دنیای عرب در دو قرن اخیر است. در مقابل پیپه می‌گوید؛ هر دو روایت (هم ماهیت غربی و هم ماهیت سنتی ملی‌گرایی عرب) را به چالش می‌کشد.

یازدهمین مقاله این بخش با نام «ملی‌گرایی افریقایی» اثر «بنیامین نیوبرگر»^۳ است. نیوبرگر نشان می‌دهد در دوره‌های تاریخی گوناگون، مردم بخش‌های مختلف افریقا تفسیرهای متفاوتی از ملی‌گرایی داشته‌اند؛ برای مثال، قبل از استقلال ملی‌گرایی را معادل منطقه‌گرایی می‌دانستند، در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ ملی‌گرایی را معادل جنبش ضداستعماری، در دوران استقلال (پسااستعماری) ملی‌گرایی را معادل ملت‌سازی و در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ملی‌گرایی معادل افراطی‌گرایی می‌دانستند.

دوازدهمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملت پیش از ملی‌گرایی: ساختار مدنی و قومی آمریکا» اثر «سوزان مری گرانت»^۴ است. نگارنده در این مقاله، فرایند تاریخی شکل‌گیری ملت در آمریکا از اوایل قرن نوزدهم تا هنگام حوادث پس از یازده سپتامبر در قرن ۲۱؛ را بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که آنچه ملت آمریکا را شکل داده نه نژاد و خون مشترک؛ بلکه باور مشترک (اجماع جهان‌شناختی) درباره اجتماع، مذهب و تاریخ سیاسی آمریکاست.

سیزدهمین مقاله این بخش که «ملی‌گرایی در آمریکای جنوبی و مرکزی» نام دارد اثر «خوزه مورسیو دومینگوئز»^۵ است؛ رابطه استقلال و ملت‌سازی در آمریکای جنوبی و مرکزی بررسی شده است. نویسنده مقاله نشان می‌دهد که مستعمره‌های اسپانیا و

1- Peter Hays Gries
2- Ilan Pappé

3- Benyamin Neuberger
4- Susan-Mary Gront

5- Jose Mauricio Domingues

پرتغال در دنیای جدید (قاره آمریکا) پیشقراولان ملت‌سازی در مرحله آغازین نوگرایی‌اند؛ اما در مرحله بعدی یعنی دوران استقلال، با مشکلات تازه‌ای همچون وابستگی اقتصادی و نظامی، روبرو شده‌اند که هنوز گریبانگیر آنهاست.

چهاردهمین مقاله این بخش تحت عنوان «ملت‌ها و ملی‌گرایی در استرالیا و زلاندنو» اثر «پیتر بیهارز»^۱ و «لاید کاکس»^۲ است و موضوع آن، ظهور، بلوغ و تحول هویت ملی در زلاند نو و استرالیا می‌باشد. نویسندگان در این مقاله نشان می‌دهند در زلاندنو هدف از کنترل مهاجرت، حفظ نظام دوفرهنگی و در استرالیا تمایز استرالیای جدید از استرالیای قدیم است. به همین دلیل ایده دولت - ملت و ملت‌سازی در این دو کشور کاملاً مبهم است.

در مجموع، نویسندگان این بخش تجارب تاریخی ایدئولوژی ملی‌گرایی در مناطق مختلف جهان را به نمایش می‌گذارند. آنان عموماً از رهیافت مقایسه‌ای بهره برده‌اند تا تشابهات و تفاوت‌های میان کشورها و مناطق مختلف را نشان دهند.

نقد و ارزیابی کتاب

در نگاه نخست، این پرسش مطرح است که با وجود ادبیات گسترده درباره ملیت و ملی‌گرایی، هدف ویراستاران از گردآوری این مجموعه چه بوده است. به نظر می‌رسد جراللد دلانتی و کریشن کومار در این مجموعه می‌کوشند با به دست دادن دیدگاه‌های گوناگون درباره ملت و ملی‌گرایی، خلأهای موجود در ادبیات این حوزه را پر نمایند و بدین منظور به دو مسأله اصلی توجه می‌کنند: نخست آنکه نویسندگان مقاله‌ها، صرفاً به یک حوزه دانش تعلق نداشته باشند؛ بنابراین نویسندگان از حوزه‌های مختلف دانش شامل تاریخ، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، علم سیاست، روانشناسی و فلسفه انتخاب شده‌اند؛ دوم آنکه نویسندگان تنها به یک منطقه جغرافیایی خاص تعلق نداشته باشند و از مناطق گوناگون جهان انتخاب شوند؛ هر چند همه نویسندگان صرفاً درباره مسائل منطقه‌ای خاص خود گزارش نمی‌دهند و به مسائل و مشکلات جهانی نیز می‌پردازند؛ البته این مجموعه تنها یک کتاب راهنما درباره ملت و ملی‌گرایی است و به هیچ وجه نمی‌توان آن را دایره‌المعارف دانست.

1- Peter Beilharz

2- Liyod Cox

نقد و ارزیابی شکلی کتاب

یکی از مشکلات شکلی این کتاب، دوستونه بودن صفحات آن است که تا حدودی خواننده را خسته می‌کند. هر چند به نظر می‌رسد؛ ویراستاران مجموعه برای گنجانیدن چنین حجمی از مقاله‌ها در یک مجلد ناگزیر بدین کار بوده‌اند؛ همچنین با وجود تقسیم‌بندی سه‌گانه کتاب به رهیافت‌ها، موضوعات و ملت‌ها و ملی‌گرایی در عصر جهانی، پیوستگی و ارتباط مقاله‌ها در دو بخش نخست چندان رعایت نشده است؛ مثلاً در بخش اول یعنی «رهیافت‌ها»، مقاله «ملی‌گرایی روش‌شناختی و منتقدین آن» آخرین مقاله است؛ در حالی که شاید منطقی‌تر، آن بود که این مقاله پس از دو مقاله نخست ارائه می‌شد که به نظریه‌های تبیین تاریخی و نو ملی‌گرایی اختصاص دارند. همین بی‌نظمی در بخش دوم یعنی «موضوعات» نیز قابل مشاهده است؛ مثلاً در حالی که مقاله‌های چهارده تا هفده به بررسی نسبت ملی‌گرایی با پدیده‌های قومیت، مذهب، نژاد و نمادها می‌پردازد، نسبت ملی‌گرایی و ورزش، در مقاله ۲۱ آمده است؛ در حالی که مقاله هجده به تحلیل رابطه حافظه، حقیقت و خشونت در جامعه‌های در حال گذار می‌پردازد، مقاله نوزده موضوع شهروندی و ملت‌سازی را بررسی می‌کند و مقاله بیست رابطه ملت و دولت را تحلیل می‌نماید، بخش سوم کتاب یعنی «ملت‌ها و ملی‌گرایی در عصر جهانی» دارای چیدمان مناسبی می‌باشد.

همچنین برخی مقاله‌ها با وجود داشتن محتوای غنی، صورت‌بندی علمی ندارند؛ مثلاً مقاله «مدرنیزاسیون و ارتباط: عامل ملت‌سازی» در بخش اول، فاقد نتیجه‌گیری است و یا مقاله «نوسازی و ملی‌گرایی» در بخش دوم، مقدمه و نتیجه‌گیری ندارد و در مقاله «چین و ملی‌گرایی چینی» نتیجه‌گیری دیده نمی‌شود.

به هر حال از این مشکلات که بگذریم، این مجموعه دارای ساختار شکلی متناسبی است که خواننده را در یافتن موضوع‌های مورد علاقه‌اش یاری می‌رساند.

نقد و ارزیابی روشی کتاب

از نظر روشی، این مجموعه بسیار غنی است. روش‌های علمی به کار رفته در این مقاله‌ها عبارتند از؛ شیوه‌های توصیفی، تحلیلی، انتقادی، تطبیقی (مقایسه‌ای) و مطالعه موردی؛ البته به نظر می‌رسد، مقاله‌ها اساساً با رویکرد توصیفی و گاه تحلیلی به نگارش درآمده‌اند و از رویکرد هنجاری به پدیده ملت و ملی‌گرایی در کتاب خبری نیست.

نقد و ارزیابی محتوای کتاب

مقاله‌های این مجموعه از جهت محتوا بسیار متنوع و غنی‌اند؛ مثلاً در این مجموعه می‌توان مقاله‌های گوناگونی درباره دگرگونی‌های مفهومی و تاریخی ملی‌گرایی از دوران پیشانوگرا تا نوگرایی اخیر، مسائل و موضوعات روز همچون نقش حافظه، مهاجرت و خودکشی در شکل‌گیری ملی‌گرایی؛ و سرانجام وضعیت ملی‌گرایی در مناطق گوناگون جهان مشاهده نمود؛ با وجود این، مجموعه‌ای که پیش‌روی ماست، دارای ضعف‌هایی نیز هست؛ از جمله اینکه:

فاقد مقدمه‌ای مختصر درباره مقاله‌ها است، حال آنکه در چنین مجموعه‌هایی وجود مقدمه، متداول است و از این لحاظ خواننده این اثر چندان راهنمایی نمی‌گردد. هر سه بخش، فاقد مقدمه و نتیجه‌گیری است و از این لحاظ خواننده دچار سردرگمی می‌شود؛

به نظر می‌رسد جای برخی نظریه‌پردازان برجسته عرصه ملی‌گرایی از جمله دیوید میلر^۱، ارنست گلنر^۲، بندیکت اندرسون^۳، کریگ کالهن^۴، نیرا یووال دیویس^۵ و... در این مجموعه خالی است؛ حال آنکه آنان با دیدگاه‌های بدیع‌شان می‌توانستند این مجموعه را غنی‌تر نمایند؛

در بخش مباحث نظری، جای برخی سنت‌های فکری معاصر همچون چندفرهنگ‌گرایی، جامعه‌گرایی و پسانوگرایی که درباره ملت و ملی‌گرایی دارای نظریه‌های گاه متعارضند، خالی است؛

در این مجموعه هیچ مقاله مستقلی درباره برخی مسائل معاصر ملی‌گرایی همچون کثرت‌گرایی، طرد، همگون‌سازی، جذب، فراقلمروگرایی و... وجود ندارد و در نتیجه راه‌حل مؤثری برای حل این مشکلات به دست داده نشده است.

در کل، این مجموعه دارای نقاط قوت اساسی ذیل است:

نظریه‌ها و مباحث ملی‌گرایی در این اثر از دیدگاه رشته‌های علمی متفاوت همانند انسان‌شناسی، روانشناسی، فلسفه، علوم اجتماعی، زبان‌شناسی و... بررسی شده است؛ از دیدگاه انتقادی، برخی نظریه‌ها و مباحث اخیر ملی‌گرایی از جمله نظریه‌های نو در این حوزه ارزیابی شده است؛

موضوع‌ها و مباحث اصلی ملی‌گرایی در بستر تاریخی و معاصر آن قرار گرفته است؛

1- David Miller
2- Ernest Gellner

3- Benedict Anderson
4- Craig Calhoun

5- Nira Yuval Davis

نشان داده شده که با تغییر صورت‌بندی سیاسی و اجتماعی، شکل و محتوای ملی‌گرایی نیز تغییر می‌کند؛
آینده دگرگونی‌های ملی‌گرایی مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است؛
از روش‌های علمی گوناگون برای مطالعه پدیده‌های ملت و ملی‌گرایی بهره گرفته شده؛
مطالعه‌های موردی گوناگون در کتاب وجود دارد.
بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که این مجموعه منبعی ارزشمند برای محققان حوزه‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی و علوم اجتماعی به منظور مطالعه پدیده ملت و ملی‌گرایی می‌باشد.

محمدعلی توانا

استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد

Email: Tavana.Mohammad@yahoo.com

